

سه راه! [صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۳۱]

... شما در سوره حمد می خوانید که: اهدنا الصراط المستقیم، صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لا الضالین سه راه هست، یک راه مستقیم و یک راه شرقی مغضوب علیهم و یک راه غربی ضالین... راه مستقیم، منتهی به خدا می شود آن صراطی که تا جهنم کشیده شده است، اگر مستقیم در این عالم حرکت کنید، از آن صراط، مستقیماً رد می شوید. جهنم باطن این دنیاست. اگر مستقیم از این راه رفتید و طرف چپ یا طرف راست منحرف نشدید، از صراط در این عالم هم مستقیم عبور می کنید و به چپ یا راست متمایل نمی شوید، که اگر به چپ متمایل بشوید به جهنم است و اگر به راست متمایل شوید جهنم است. راه خدا مستقیم است.



بدان!

... فقال رسول الله صلى الله عليه وآله يا قيس! إِنَّ مَعَ الْعِزِّ ذُلًّا، وَ إِنَّ مَعَ الْحَيَوَةِ مَوْتًا وَ إِنَّ مَعَ الدُّنْيَا آخِرَةً وَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا وَ إِنَّ لِكُلِّ حَسَنَةٍ ثَوَابًا وَ لِكُلِّ سَيِّئَةٍ عِقَابًا. (الامالی شیخ صدوق، صفحه ۵۱)

زندگی این جور است؛ درش عزت هست، ذلت هم هست. بعد هم ، زندگی هست و مرگ هست؛ زندگی و مرگ هر دو حقیقت‌های متساوی و متوازی‌اند. شما حالا زندگی را می‌بینی، مرگ را هم ببین. بدان که مرگ هم هست. این چیزی که انسان دیر آن را احساس می‌کند. وَ إِنَّ مَعَ الدُّنْيَا آخِرَةً این زندگی دم دستی که شما داری، بدان که یک زندگی دیگری هم آن طرف هست. وَ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ حَسَبًا هر چیزی حسابگری دارد. هر کاری که می‌کنی بی حساب و کتاب نیست. هر حرکت تو، هر حرف تو و هر اقدام تو یک حسابگری دارد که اینها را محاسبه می‌کند، ضبط می‌کند و نگه می‌دارد. اینها را بدان. وَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا کسی هست، چشم بینایی هست که مراقبت می‌کند از همه‌ی جزئیات و ریز و درشت کار تو. وَ إِنَّ لِكُلِّ حَسَنَةٍ ثَوَابًا هر کار خوبی که تو بکنی یک پاداشی دارد؛ برو برگرد ندارد. وَ لِكُلِّ سَيِّئَةٍ عِقَابًا هر کار بدی که بکنی یک عقابی پشت سرش هست. اگر توبه نکردی، [آن کار بد را] پاکش نکردی، این عقاب رویش سوار است و قطعی است که این عقاب دنبال آن کار بد خواهد بود. اینها را بدان.

[شرح حدیث از امام خامنه ای مدظله العالی در مقدمه درس خارج ، برداشت از سایت Khamenei.ir]

سهم!

در حال آماده سازی همدان برای برپایی جشن های نیمه شعبان بودیم. روزها سر کار می رفتیم و شب ها می آمدم مهدیه و آن جا کار می کردیم، طوری که خسته و کوفته به منزل می رسیدیم. یک صبح جمعه ، شهید محراب آیت الله مدنی (ره) ما را جمع کرد . ابتدا کمی در باب تقوا و پرهیز کاری صحبت کرد، بعد به ما گفت : « می خواهم پیرسم آیا زن و بچه تان از شما سهم دارند یا نه؟ این چه سر و وضعی است که دارید؟ کمی مرتب باشید. خودتان را تمیز و آراسته کنید . خانم هایتان هم حق دارند. این یهودی ها را ببینید! بچه های خوشگل و خوش قیافه ما را می برند پشت دخل می گذارند تا فروش شان بالابرد؛ آن وقت ما مسلمان ها با ریش و سیل نا مرتب و لباس های کثیف ، پشت دخل می ایستیم ، توقع داریم مشتری بیاید. با همین سر و وضع هم می رویم خانه و باز توقع داریم که عیالمان تحویلمان بگیرند. چرا حواستان نیست؟ شما مسلمانید! یک مسلمان نه تنها اعتقادش، بلکه ظاهرش هم باید شکل یک مسلمان ، تمیز و آراسته باشد. هرکجا می روید از منزل گرفته تا محل کار و نماز جمعه ، باید درست و حسابی و برازنده بروید. رسول خدا صلی الله علیه و آله هزینه عطرش از هزینه های دیگرش بیشتر بود. آخر زن و بچه شما چه گناهی کرده اند که باید شماها را این ریختی ببینند؟ »



[یاران ناب ، خاطراتی از شهید آیت الله مدنی، به کوشش علی اکبری،

نشر یا زهرا سلام الله علیها، چاپ اول مهر ۱۳۹۳ ، ص ۴۱]